

اهداف امام حسین علیه السلام در آثار برخی از مستشرقان

دکترسید حسن قریشی کرین^۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۹/۲۱

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۴/۱۳

چکیده

حرکت تاریخ‌ساز امام حسین علیه السلام در مواجهه با بی‌عدالتی‌های بنی‌امیه و بیعت نکردن آن حضرت با یزید، تأثیرات شگرفی بر تاریخ اسلام گذاشت. این حرکت مورد توجه تمامی متفکران، از جمله مستشرقان قرار گرفت و برخی با نگاه علمی، این نهضت عظیم را مورد بررسی قرار دادند. نوشتار حاضر با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای به شیوه تحلیلی و توصیفی به بررسی روایت‌گری و تحلیل‌های برخی از مستشرقانی می‌پردازد که در آثار خود به موضوع زندگانی و حرکت امام حسین علیه السلام پرداخته‌اند. بر پایه آن چه در این جست‌وجوها به دست آمده است، تقریباً هیچ کدام از مستشرقان نتوانسته‌اند اهداف امام حسین علیه السلام را به روشنی فهم و منتقل کنند و حرکت آن حضرت را به شکل اقدامی انفعالی، سیاسی و قدرت‌طلبانه تصویر کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها: امام حسین علیه السلام، مستشرقان، شرق‌شناسی، عاشورا، نهضت حسینی.

۱. استادیار دانشگاه پیام نور (shquorishi@gmail.com)

شخصیت‌های بزرگ که اقدامات مهم و تاریخ‌سازی را آغاز می‌کنند، باید اهداف والا و عظیمی را در نظر داشته باشند؛ زیرا بدون داشتن آن اهداف بالا و والا، حرکت بزرگ و تاریخ‌سازی مفهوم است. بدون تردید، یکی از تاریخ‌سازترین حرکت‌ها در همه جوامع بشری، حرکت تاریخ‌ساز و انسان‌ساز امام حسین علیه السلام است که بر اساس متن بسیاری از زیارت‌نامه‌ها و به‌ویژه زیارت اربعین، آن حضرت میراث‌دار همه پیامبران الهی شده‌اند و این بدان سبب است که حرکت ایشان در ادامه حرکت‌های بزرگ همه پیامبران گرامی و الهی بوده است. حرکت تاریخی امام حسین علیه السلام از جهات متعددی اهمیت پیدا می‌کند که یکی از آنها نجات دین اسلام از نابودی توسط یزید بوده است. همین ایثارگری بی‌نظیر امام حسین علیه السلام در قربانی کردن خود، برادران، فرزندان، بستگان و یاوران برای نجات دین اسلام از یک سو و درخشش اسلام در جهان به عنوان دینی تمدن‌ساز از سوی دیگر، نشان می‌دهد که در همه موارد تأثیرگذاری تاریخی تمدن اسلامی در جهان، همگی - چه مسلمان و چه غیرمسلمان - وام‌دار حرکت امام حسین علیه السلام هستند؛ زیرا بدون حرکت امام حسین علیه السلام نه از اسلام خبری بود و نه از تمدن اسلامی. اهمیت حرکت امام حسین علیه السلام همه متفکران اسلامی و غیراسلامی را به تحیر واداشته و مستشرقان در این باره آثار ارزشمندی از خود به جای گذاشتند. آنان این حرکت بزرگ و تاریخ‌ساز در پهنه تمدن اسلامی را از زوایای متعددی بررسی کرده‌اند؛ گرچه انتظار می‌رفت آنان با توجه به عدم دل‌بستگی مذهبی و دسترسی آسان‌تر به منابع و مآخذ در تبیین حرمت امام حسین علیه السلام نکات مهم این قیام را بهتر مورد مطالعه قرار دادند، ولی به خوبی نتوانستند از عهده این رسالت برآیند و تمامی زوایای قیام را بررسی نمایند. نوشتار حاضر به بررسی تعدادی از آثار مستشرقان درباره اهداف امام حسین علیه السلام می‌پردازد.

گارسن دوتاسی

گارسن دوتاسی (۱۸۷۸ - ۱۷۹۴)، فرزند تاجری از اهالی بندر ماری در جنوب فرانسه بود. وی در سال ۱۸۱۷ به پاریس رفت و در آنجا با مستشرق معروف فرانسوی سیلوستر



دوساسی (۱۸۲۴ - ۱۷۶۳) دیدار می‌کند که با تشویق وی زبان‌های اسلامی مانند فارسی، عربی، ترکی وارد و فرا می‌گیرد. از معبر آشنایی دوتاسی با شرق و مناطق مختلف آن بود که وی بعدها کتابی با نام *خاطرات درباره ویژگی‌های دین مسلمانان در هند* را در سال ۱۸۳۱ در پاریس منتشر کرد.

کتاب گارسن دوتاسی فرانسوی که اشاراتی به مراسم اسلامی در ماه‌های قمری دارد، توسط یکی از استادان مسلمان هند به نام م. وسیم - استاد جامعه ملیه اسلامی در دهلی نو - به زبان انگلیسی ترجمه شده و در سال ۱۹۹۵ توسط دفتر انتشارات دانشگاه آکسفورد در دهلی نوانتشار یافت.

گارسن دوتاسی در بخش اول کتاب، در ذیل ماه محرم می‌گوید که مراسم محرم در ده روز نخست، بسیار با حرارت جریان دارد که اوج آن در روز عاشورا است. وی می‌گوید:

حسین و برادر بزرگش حسن، فرزندان علی و دختر پیامبر، فاطمه [علیها السلام] بودند. حوادث منجر به مرگ حسین [علیها السلام] را از کتابی به نام *گل مغفرت* اخذ کرده‌ام.

کتاب *گل مغفرت خلاصه‌ای از کتاب روضة الشهداء* ملاحسین کاشفی به قلم حیدر بخش حیدری (۱۷۶۸ - ۱۸۲۸) است. بعدها شخصی به نام میرزا کاظم علی جوان (م ۱۶۱۸م) که در کلکته ساکن شده بود، به پیشنهاد یک نفر انگلیسی به نام جان جیلچریست (۱۷۵۹ - ۱۸۴۱) کتابی درباره مراسم هندوها و مسلمانان هند نوشت و نام آن را *باراماسا* گذاشت. گارسن دوتاسی خلاصه‌ای از واقعه کربلا را از باراماسا نقل می‌کند. آن چه وی نقل کرده است صرفاً خلاصه‌ای حرکت امام حسین [علیها السلام] به سوی کوفه، محاصره آن حضرت و اصحابش و شهادت آن عزیزان است. پس از آن پاداش عزاداری که بهشت است مطرح می‌گردد و این که کیفیت عزاداری آن حضرت را شرح می‌دهد و از تابوت نمادین آن حضرت - که در شبه‌قاره هند آن را تعزیه می‌نامند - سخن می‌گوید.

گارسن دوتاسی پس از آن به مراسم محلی‌ای که در ماه‌های محرم و صفر در هند برگزار می‌شود اشاره می‌کند. نتیجه آن که گارسن دوتاسی تنها به مشاهده برگزاری مراسم عزاداری توجه داشته و ابداً درباره مراحل متعدد و مختلف حرکت امام حسین [علیها السلام] و

به خصوص درباره اهداف آن حضرت اشاره‌ای نمی‌کند (دوتاسی: ۵۰ - ۵۷).

رینولد نیکولسن

رینولد نیکولسن (۱۹۴۵-۱۸۶۸) - از ایران شناسان و عرب شناسان مشهور انگلستان - در کتاب خود با نام *تاریخ ادبی اعراب* اقدام امام حسین علیه السلام را یک ماجراجویی غیرعقلایی (نیکولسن، ۱۹۱۴/۱۹۰۷: ۱۹۶) توصیف می‌کند؛ زیرا اخطار فرزدق به امام حسین علیه السلام بیهوده بود (همو). با وجود این که نیکولسن از دانش وسیع و عمیقی درباره ادبیات عرب برخوردار بود و شواهدی که از ادوار گوناگون و شخصیت‌های برجسته ادبیات عرب از پیش از ظهور اسلام گرفته تا زمان تألیف کتاب به دست می‌دهد، جای تردیدی باقی نمی‌گذارد که وی باید از شواهد متعددی درباره حرکت تاریخ‌ساز امام حسین علیه السلام در منابع عربی و اسلامی اطلاع وسیع می‌داشت، اما به رغم این اطلاع گسترده، نیکولسن نه تنها هرگز از شواهد متواتر در باب واقعه کربلا سخنی نمی‌گوید و یزید را محکوم نمی‌کند، بلکه خود را به بی‌خبری زده و تجاهل می‌نماید.

نیکولسن می‌گوید:

هر چند روایات اسلامی، حسین را شهید و یزید را قاتلش معرفی می‌کنند، اما برخی مورخان جدید اروپا اعتقاد دارند که او (امام حسین علیه السلام) خود را برای رسیدن به تخت پادشاهی به عسرو حرج انداخت، کشور را دچار ناامنی کرد و سزاوار سرکوب شدن بود. (همو: ۱۹۷)

وی در ادامه، یزید را به عنوان شاهزاده‌ای دوست‌داشتنی، سرشار از قریحه شعری‌ای که از مادرش به ارث برده بود و شراب، موسیقی و بازی کردن را براداره امور حکومتی ترجیح می‌داد، توصیف می‌کند (همو: ۱۹۷ - ۱۹۸). نیکولسن در ادامه در توصیف یزید می‌گوید:

وی از سرنوشت و وضع زنان و کودکان بازمانده از واقعه کربلا ابراز ناراحتی کرد، با آنها همه‌گونه خوش‌رفتاری داشت و آنها را به مدینه بازگرداند؛ همان جایی که آنان آتش نفرت به یزید را شعله‌ورتر ساختند. (همو: ۱۹۸)



هانری لامنس

هانری لامنس (۱۸۶۲ - ۱۹۳۷) کشیشی بلژیکی و فرانسوی الاصل بود و چندین دهه از عمر خود را در لبنان سپری کرد و به عنوان یکی از اروپاییان بسیار دانشمند در زمینه تاریخ و ادبیات و فرهنگ خاورمیانه عربی معروف است. وی از هیچ اقدامی در جهت کوییدن افتخارات اسلامی و به ویژه اهل بیت علیهم السلام کوتاهی نکرد و در عوض فضایل و مناقب بسیاری برای دشمنان اهل بیت علیهم السلام و به ویژه معاویه و یزید، ذکر و تئوریزه کرد. یکی از کتاب های هانری لامنس، *اسلام: معتقدات و نهادها* نام دارد که اصل آن در سال ۱۹۲۶ به زبان فرانسوی نوشته شد و در سال ۱۹۲۹ به زبان انگلیسی ترجمه آن منتشر گردید. در این کتاب، لامنس دو پاراگراف درباره امام حسین علیه السلام نوشت که مضمون آن چنین است:

بزرگداشت مرگ حسین، نوه محمد که در یک ورطه نابخردانه در کربلا در ۱۰ اکتبر ۶۸۰م سقوط کرد، یکی از جشنواره های اصلی آنان (شیعیان) را تشکیل می دهد. این کار، مراسم جشن گریه کردن است که در روز دهم محرم برگزار می شود که به نوعی هفته مقدس شیعی است که با اجراهای نمایشی (تعزیه) که هدف آن بزرگداشت تراژدی کربلاست همراه است. سقوط حسین که شخصی کاملاً عادی بود، شیعیان را تا سرحد جنون پیش می برد. یکی از شیعیان هندی در کتابش نوشته است: «ما حتی تا دم در بهشت هم بر حسین می گرییم» و اضافه می کند که «قلب هر شیعه واقعی قبرزنده حسین است».

وی در کتابی با عنوان *تفاخر آمیز حسین در فلسفه تاریخ* (لکهنو، ۱۹۰۵)، قهرمان اثر خویش را سبب اولیه خلقت می خواند. (لامنس ۱۹۲۹/۱۹۲۶: ۱۴۴)

از نظر لامنس، اسلام اساساً وحیانی نیست، بلکه محصول جامعه شهری و تجاری مکه است (صلیبی، ۱۹۶۲: ۳۳۷). علاقه مندی لامنس به بنی امیه به سبب تهاجم آنها به اسلام اصیل بود (همو: ۳۳۹) و این که هیچ محققى نمی تواند تعصبات کورکورانه لامنس را منکر شود (همو: ۳۴۲).

دوایت دونالدسن

دوایت دونالدسن (۱۸۸۴ - ۱۹۷۶) کشیش آمریکایی کتابی به نام *دین شیعه: تاریخ اسلام در ایران و عراق* دارد که در سال ۱۹۳۳ در لندن چاپ شده است. دونالدسن سال‌های متمادی در کشورهای اسلامی اقامت داشت و از مطالعات گسترده‌ای در تاریخ اسلام و شیعه برخوردار بود. با وجود اقامت طولانی مدت وی در ایران و مسافرتش به کربلا، دیدگاه‌های وی درباره حرکت امام حسین علیه السلام قابل مذاقه است. فصل هفتم کتاب او مربوط به آن امام بزرگوار است.

دونالدسن می‌گوید:

مردم پس از مرگ معاویه به حسین نامه نوشتند و خواسته خود مبنی بر بیعت با او را مطرح کردند و تأکید داشتند که همواره نسبت به وی وفادار خواهند ماند. این امر برای حسین بن علی نه فقط یک حزب، بلکه یک ائتلاف بزرگ از همه قبایل بود و از آن جایی که حسین هرگز با یزید بیعت نکرده بود، از مدینه به مکه رفت.

(دونالدسن، ۱۹۳۳: ۸۰)

وی در ادامه می‌نویسد:

حسین ضمن تأیید خیرخواهی ابن عباس، گفت که جواب مردم کوفه مثبت است و اگر در میدان جنگ کشته شوند، برایش بسیار خوشایندتر است تا این که با ذلت زندگی کند. (همو)

لینا فروزتی

خانم لینا فروزتی در مقاله‌ای با نام «شعائر مسلمین: مراسم خانگی در مقابل جشنواره‌های عمومی در مناطق روستایی هند» چاپ شده در کتاب *شعائر و دین در میان مسلمانان در هند* که امتیاز احمد (۱۹۸۱) آن را به صورت مجموعه‌ای از مقالات منتشر ساخت، از برخی جنبه‌های اجتماعی - فرهنگی مراسم عاشورا در مناطق روستایی هند صحبت می‌کند. فروزتی در مقاله خود به برخی مراسم متداول در روستاهای مناطق بنگالی زبان هند، همچون جشن تولد نوزادان که در جنوب شرقی این کشور جاری است

می‌پردازد و سپس به مراسم محرم توجه می‌کند (فروزی، ۱۹۸۱: ۱۰۳ - ۱۱۲). وی در این مقاله، تأکید می‌کند که امام حسن و امام حسین علیهما السلام در روز عاشورا به شهادت رسیدند! (فروزی: ۱۰۳). البته وی شهادت این دو امام را نقطه جدایی میان شیعه و سنی در اسلام برمی‌شمرد، ولی مراسم عاشورا را یادآور این شکاف تلقی نکرده، بلکه به عنوان عامل وحدت میان مسلمانان و جدا کردن آنان از غیر مسلمانان در جامعه هندوهای هند می‌داند (همو). وی می‌گوید:

مسلمانان هند در روز اول محرم ناخن‌های خود را کوتاه کرده و استحمام (غسل) می‌کنند و مردان به ساختن تعزیه (تابوت یا پیکر نمادین امام حسین علیه السلام) می‌پردازند. (همو: ۱۰۵)

فروزی، تعزیه را نماد قبر امام حسن علیه السلام می‌داند (همو)، در حالی که شهادت آن حضرت هرگز در روز عاشورا نبوده، بلکه در روز هفتم یا بیست و هشتم صفر اتفاق افتاده است.

فروزی در ادامه مطلب اشاره می‌کند که نه تنها همه مسلمانان، بلکه هندوها هم در این مراسم شرکت می‌کنند و طبال‌های مراسم محرم از فرودست‌ترین طبقه اجتماعی هندوها هستند (همو: ۱۰۶). اهمیت این مراسم در این است که فرودست‌ترین طبقه اجتماعی هندوها (نجس‌ها) در مراسم محرم احساس می‌کنند که دست‌کم برای یک روز در سال هم تبعیض نژادی و طبقاتی درباره آنان اعمال نمی‌شود و نه تنها سایر هندوها، بلکه مسلمانان نیز مشارکت آنان در مراسم خود را می‌پذیرند.

فروزی در ادامه اشاره دارد که در پایان مراسم، عزاداران، دسته‌گل‌هایی را که به نماد پیکر دوشهید (امام حسن و امام حسین علیهما السلام) ساخته‌اند را برای دفن به کربلا می‌برند، (همو: ۱۰۸ - ۱۰۹). گفتنی است کربلا در عرف هند به مکانی گفته می‌شود که شیعیان، مراسم روز عاشورا را در آن جا برگزار کرده و دسته‌گل‌هایی که به نماد پیکر شهید کربلا آماده کرده‌اند را با احترام در آن مکان دفن می‌کنند. فروزی اعتقاد دارد که مراسم عاشورا هم از سوی سنیان و هم شیعیان گرامی داشته می‌شود و پیروان هر دو مذهب در آن شرکت

می‌کنند و در واقع عاشورا، روز وحدت میان سنی و شیعه به لحاظ شعائر است. (همو: ۱۱۰). وی می‌گوید:

اسلام یک عامل اجتماعی در ایجاد همبستگی میان همه آنانی است که به شعائر آن در عمل احترام می‌گذارند. (همو: ۱۱۱)

فروزی با وجود پرداختن به مسئله برگزاری مراسم محرم و روز عاشورا، از چند نکته غفلت می‌کند. یکی این که امام حسین علیه السلام چگونه شخصیتی بود که همه مسلمانان و هم هندوها در مراسم بزرگداشت شهادت وی شرکت می‌کنند؛ دیگر آن که امام حسن مجتبی علیه السلام در روز عاشورا به شهادت نرسیدند و مهم‌تر از همه این که به اهدافی که امام حسین علیه السلام که آن حضرت برای آن اقدام به آن همه فداکاری بی نظیر کردند اشاره‌ای نمی‌کند. به نظر می‌رسد فروزی تنها پدیده شعائر روز عاشورا را بدون نظر گرفتن علل و عوامل تاریخی - اعتقادی آن بررسی کرده است.

دیوید پینولت

دیوید پینولت در کتابی با نام شیعیان: تقوای شعائری و عام در یک جامعه مسلمانان (۱۹۹۲) به بررسی مراسم محرم و عاشورا در شهر حیدرآباد هند می‌پردازد. البته نگاه پینولت به این مراسم از دید فرهنگی، اجتماعی و آن هم فقط محدود به شهر حیدرآباد پرداخته و نگاه تاریخی، فراملی، منطقه‌ای و یا دینی به آن ندارد. این نوع از زاویه دید به لحاظ دقت و محدود کردن حوزه عمل یا تمرکز بر یک حوزه جغرافیایی در بررسی یک پدیده دینی - فرهنگی از سودمندی‌های فراوانی برخوردار است. از طرف دیگر، کتاب پینولت به جنبه تاریخی - اعتقادی واقعه عاشورا و شخصیت امام حسین علیه السلام چندان توجهی ندارد. وی در مجموع کمتر از دو صفحه و نیم (پینولت، ۱۹۹۲: ۴ - ۶) را به پیشینه تاریخی واقعه کربلا اختصاص داده است.

پینولت بیان می‌کند که در سال ۶۸۰ میلادی (۶۰ هجری قمری) معاویه مرد و پسرش یزید به قدرت رسید. مسلمانان امروزه یزید را به عنوان ستمگری تصویر می‌کنند که از هیچ اقدامی مانند شرب خمر در انظار عمومی و سبک زندگی دور از اخلاقیات ابایی

نداشت. پس از مرگ معاویه، هواداران امام علی علیه السلام در شهر کوفه که زمانی مرکز حکومت شیعیان بود به امام حسین علیه السلام نامه نوشتند و او را مجبور کردند که به کوفه بیاید، رهبری حرکت علیه یزید را به دست گرفته و ادعای خلافتی را کند که به دلیل فرزند پیامبر بودنش شایستگی آن را داشت. پس از آن امام حسین علیه السلام هم این خواهش آنان را پذیرفت و با تعداد کمی از طرفدارانش سفر خود را آغاز کرد (همو).

پینولت می گوید که امام حسین علیه السلام هرگز به کوفه نرفت، بلکه در کربلا و در نزدیکی رود فرات توسط لشکری از طرفداران یزید از حرکت بازماند. امام حسین علیه السلام و اصحاب آن حضرت از دوم تا دهم محرم مقاومت کردند و در این مدت مدافعان امام حسین علیه السلام تحت محاصره غذایی و آب قرار داشتند. حضرت ابوالفضل علیه السلام که از شیون کودکان از عطش به هیجان آمده بود برای تهیه آب حرکت کرد، ولی اقدام او بی ثمر بود و مورد حمله دشمنان واقع شد و بالأخره در آغوش برادرش، امام حسین علیه السلام از دنیا رفت.

در روز عاشورا خیمه گاه امام حسین علیه السلام مورد هجوم دشمنان قرار گرفت و خود آن حضرت توسط یکی از سربازان بنی امیه به نام شمر - که به عنوان نماد شرارت تصویر می شود - کشته شد و خانواده اش به اسارت رفتند. پس از آن اسرا را از کربلا به دمشق بردند و خلیفه (یزید) برای بی احترامی با چوب به سر بریده آن حضرت حمله کرد. در این جا، حضرت زینب علیه السلام اولین مجلس عزا و سوگواری را برقرار کرد تا بر برادرش بگرید. در مدت زندانی بودنشان (در دمشق)، سکینه، دختر چهار ساله امام حسین علیه السلام از دنیا رفت (همو: ۵ - ۶).

گزارش پینولت از واقعه عاشورا در همین حد است. پینولت از هدف امام حسین علیه السلام چیزی نمی گوید و حرکت آن حضرت علیه یزید را تنها پاسخ مثبت دادن به درخواست مردم کوفه می داند. به عقیده پینولت، نخستین مجلس عزاداری برای امام حسین علیه السلام در دمشق و توسط حضرت زینب علیه السلام برگزار شد، در حالی که شواهد اسلامی حاکی از این است که نخستین مجلس سوگواری برای شهادت امام حسین علیه السلام در شهر مدینه و توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و لحظاتی پس از تولد آن حضرت برگزار شد و آورنده خبر شهادت آن حضرت، فرشته امین وحی، حضرت جبرئیل بود که به امر خداوند این خبر را از جانب

خداوند متعال به آن حضرت ابلاغ کرد (مجلسی، ۱۳۹۰: ۴۸۲). نکته دیگر این که از دختران امام حسین علیه السلام، حضرت فاطمه بنت الحسین - که عموماً به نام رقیه معروف است - در ایام اسارت اهل بیت در دمشق بر اثر فشار روحی و مشاهده سر مبارک امام حسین علیه السلام به شهادت رسید.

دیوید ماتیوز

از میان مستشرقان، باید به ماتیوز هم اشاره کرد. دیوید ماتیوز، استاد زبان و ادبیات اردو در دانشگاه لندن، مجموعه‌ای از مرثیه‌های میرانیس، ارجمندترین و تأثیرگذارترین مرثیه سرای اردو زبان را به شعر انگلیسی ترجمه کرد. تأثیر میرانیس در شبه‌قاره هند و مرثیه‌های سوزناک وی به حدی است که فن مرثیه را اوج زیبایی ادبیات اردو کرده و خودش هم به واقع ملک الشعرا ادبیات حسینی در زبان اردو است. ماتیوز می‌گوید:

معاویه در مدت خلافت خود تبارگماری را و جرگه سالاری (الیگارش‌ی) را در پیش گرفته و آن را جایگزین دموکراسی نوپا کرده بود و اندک‌اندک سنت‌های الحادی عرب جاهلی را زنده کرد. معاویه پیش از مرگ خود، فرزندش یزید را به عنوان جانشین خود معرفی کرد و این خلاف معاهده‌ای بود که طی آن حاکمیت باید به علی علیه السلام احاله می‌شد. (همو: ۵)

به باور وی، همه مسلمانان در محکوم کردن یزید همصدا هستند (همو: ۵ - ۶). ماتیوز پیشینه حرکت امام حسین علیه السلام را به درخواست مردم کوفه می‌رساند که از عملکرد یزید ناخشنود بودند و از او استمداد کرده بودند. از این رو، امام حسین علیه السلام پسر عموی خود مسلم بن عقیل را به کوفه فرستاد که اوضاع را ارزیابی کند. پس از دریافت نامه مسلم، امام حسین علیه السلام به سوی کوفه حرکت کرد. در همین حین، عبیدالله بن زیاد که از اهداف مسلم باخبر شده بود، او را دستگیر کرد و طرفداران مسلم هم وی را ترک کردند (همو: ۶). ماتیوز می‌گوید:

حسین به همراه بستگان، اصحاب و خانواده خود از مرزهای حجاز گذشت و به

سرزمین عراق وارد شد و در آن جا بود که خبر سرنوشت غم‌انگیز مسلم را دریافت کرد. (همو: ۶)

کاروان حسین در روز سوم محرم به کربلا رسید که در نزدیکی سواحل فرات است و طولی نکشید که مورد حمله بی‌رحمانه عبیدالله بن زیاد قرار گرفت که لشکری چندین هزار نفری تحت امر وی بود. از آن جا که کسی را یارای آن نبود به نبرد با ذوالفقار علی برخیزند، تصمیم گرفتند که آب را بر حسین ببندند. (همو: ۶ - ۷)

ماتیوز ادامه می‌دهد که در چنین وضعیتی امام حسین علیه السلام سه راه را پیشنهاد کرد:

یا این که بی‌هیچ منعی به مدینه برگردد، یا این که به نقاط مرزی با ترک‌ها اعزام شود و یا این که او را با امنیت برای مذاکره به نزد یزید ببرند. البته شیعیان گزینه آخر را قبول ندارند. (همو)

ماتیوز ادامه ماجرا را این گونه نقل می‌کند:

عبیدالله بن زیاد اصرار می‌ورزید که حسین باید نزد خلیفه یزید به گناه خود به عنوان شورشی اعتراف کند. در عوض حسین از آنان (دشمنان) درخواست کرد که وی را به قتل برسانند، ولی به اصحاب و خانواده‌اش آسیبی نرسانند. احساسات حَرّ تحریک شده و صف لشکر سواره یزید را ترک کرده و به حسین پیوست و دیگران را نیز ترغیب کرد که چنین کنند. از سوی دیگر، عبیدالله بن زیاد که سرسخت و بی‌رحم بود به نیروهایش دستور داد که آماده نبرد باشند. (همو: ۷)

صحنه نبرد روز عاشورا از زبان ماتیوز به قرار زیر توصیف شده است:

نبرد پس از نماز صبح در روز دهم محرم شروع شد و ادامه یافت تا این که حسین [برای دفاع از خود و خانواده‌اش بی‌یاور و تنها ماند. او به خیمه‌اش وارد شد و همین که کودک خردسالش علی اصغر را در آغوش گرفت، تیری که از سوی دشمن پرتاب شده بود گلوی کودک را شکافت. خونین و خسته، حسین برای آخرین بار به صف دشمن یورش برد و دشمن ترسو، به فرماندهی سنان، او را محاصره کردند، سرش را از تن جدا کرده و آن را به نشان پیروزی بر سر نیزه به کوفه بردند. زنان و کودکان را جمع‌آوری کرد، و به شام نزد یزید فرستادند که ورود آنها را

به انتظار نشسته بود. همه اصحاب حسین کشته شدند، به جز پسر خردسالی که نامش علی زین العابدین بود وزینب خواهر حسین او را از کشته شدن نجات داده بود. از آن جا که مادر زین العابدین، دختر یزدگرد، آخرین پادشاه ساسانیان ایران بود، شیعیان او را به عنوان چهارمین امام خود قبول دارند. (همو: ۷ - ۸)

ماتیوز در آخرین بخش از روایت خود از واقعه کربلا می‌گوید:

بر پایه برخی روایات سنی، یزید بسیار متأسف بود که حسین را به قتل رساند و ابن زیاد را برای بدرفتاری با وی لعنت کرد. از سوی دیگر، شیعیان هم سه خلیفه اول که غاصب حق علی بودند را یک جالغن می‌کنند. (همو: ۸ - ۹)

ماتیوز ریشه حرکت امام حسین علیه السلام را در نامه مردم کوفه به آن حضرت می‌داند، در حالی که اساساً انتخاب و معرفی یزید به عنوان جانشین معاویه از سوی وی مخالف صریح با یکی از مفاد مهم قرارداد صلح بین امام حسن مجتبی علیه السلام و معاویه بود (آل یاسین، ۱۳۷۲: ۲۶۰).

وی تصریح می‌کند که خروج امام حسین علیه السلام از مکه به سمت عراق بر اساس نامه حضرت مسلم بن عقیل به آن حضرت بوده است، در حالی که دلیل خروج آن حضرت از مکه این بود که متوجه شده بودند قرار است در مراسم حج، گروهی از مأموران یزید تحت امر عمرو بن سعید بن العاص آن حضرت را در حریم امن کعبه به قتل رسانند و به این ترتیب هم آن حضرت به عنوان مخالف حکومت اموی یزید به قتل برسند و هم حرمت و امنیت حریم کعبه و مکه مکرمه به ویژه در ایام حج بشکند (نک، نجمی ۱۳۸۶: ۸۲، ۹۲ - ۹۵).

به تصریح بسیاری از مورخان، ورود امام حسین علیه السلام به منطقه کربلا در روز دوم محرم سال ۶۱ هجری بود (نجمی ۱۳۸۶: ۱۹۶؛ مجلسی، ۱۳۹۰: ۶۴۱). البته ایراد دیگری که بر نظر ماتیوز وارد است، این که عبیدالله بن زیاد در کربلا حضور نداشت، بلکه وی در کوفه بود و فرماندهی لشکر اموی در کربلا را عمر بن سعد بر عهده داشت.

ماتیوز پیوستن حرّبه امام حسین علیه السلام را از روی ترحم می‌داند. آن چه در روز عاشورا رخ

داد این بود که حرّ در لحظات نزدیک به آغاز تهاجم لشکر عمرین سعد به اردوگاه امام حسین علیه السلام خود را میان بهشت و جهنم مخیر می‌بیند و از آن جا که در دل، محب اهل بیت بود و درگفت وگویی که چند روز پیش از آن با امام حسین علیه السلام داشت، ادب خود را نسبت به حضرت زهرا علیها السلام و خاندان رسالت نشان داد، همین ادب ورزی وی سبب نجاتش شد. ماتیوز در بخش‌های پایانی، ادعا می‌کند حضرت زینب علیها السلام امام زین العابدین علیه السلام را نجات دادند. حقیقت این است که آن حضرت در روز عاشورا به دلیل بیماری و به لحاظ شرعی از شرکت در جنگ معاف بودند. از سوی دیگر، ایرانیان - وبالطبع شیعیان - صرفاً به دلیل ایرانی بودن مادر امام زین العابدین به آن حضرت علاقه و ارادت ندارند. اساساً روح ملی‌گرایی ایرانی در اعتقاد به ولایت و امامت جایی ندارد و این ادعای ماتیوز صرفاً سخنی است که هیچ خردمند آشنا به اعتقادات شیعی آن را بر نمی‌تابد.

در آخرین بخش، ماتیوز مدعی است یزید از اقدامات خود ابراز ندامت کرده و این زیاد را محکوم کرد. این سخن ماتیوز این توهم را ایجاد می‌کند که یزید باید شخصی دانا و خردمند می‌بود که دستور به کشتار با سنجیه‌های والای انسانی وی تطبیق نمی‌کرد! تمامی شواهد تاریخی اثبات می‌کند که یزید از لحظه‌ای که به قدرت رسید به چیزی کمتر از قتل عام و نابودی هر آن چه ارتباطی با خاندان رسالت داشت نمی‌اندیشید.

اگر به فرض یزید تنها درباره ماجرای کربلا دچار اشتباه در محاسبات سیاسی شده بود، واقعه حرّه در سال دوم حکومت وی و جنایات سربازانش در مدینه النبی و حمله سپاهیان به مکه مکرمه و آتش زدن خانه کعبه را چگونه می‌توان توجیه کرد؟

جان نورمن هولیستر

از میان آثار دیگر مستشرقانی که به ماجرای زندگانی و به ویژه حرکت امام حسین علیه السلام پرداخته‌اند، می‌توان از جان نورمن هولیستر نام برد که کتاب وی با نام شیعیان هند در صفحاتی به ماجرای فوق می‌پردازد. وی می‌نویسد:

هرچند حسین در شهر مدینه زندگی می‌کرد و در زندگی برادرش حسن دخالت نمی‌کرد، اما مرتباً به دربار معاویه در دمشق رفت و آمد داشت و عملاً در خدمت

ارتش معاویه بود؛ به خصوص در زمان اولین حمله به شهرتیسفون. پس از مرگ معاویه، وی از به رسمیت شناختن یزید سرباز زد و وقتی که مردم کوفه به او نامه‌هایی نوشتند که ادعای خلافت کند، وی احساس تکلیف کرد که چنین کند. او در آغاز، پسرعموی خود مسلم را برای ارزیابی اوضاع کوفه به آن شهر فرستاد. پس از آن، مسلم او را مجبور به سفر به کوفه کرد. هرچند ابن عباس وی را از سفر به آن جا منع کرد، ولی ابن زبیر به دلایل حب موقعیت شخصی دوست داشت که وی این کار را انجام دهد. در همین زمان، یزید عبیدالله بن زیاد را به فرمانروایی نظامی کوفه گماشت و او (عبیدالله بن زیاد) نیز به سرعت دست به کار شد و طرفداران کوفی مسلم گریختند و مسلم نیز کشته شد. خبر کشته شدن مسلم در منزلگاه قادسیه به حسین رسید. شاید او تمایل به بازگشت به مدینه می‌داشت، ولی برادران مسلم قصد انتقام جویی داشتند و در همین زمان پیکی از سوی عبیدالله رسید که اجازه بازگشت را نمی‌داد. در نهایت، جمع کوچک هفتاد و دو نفری با حسین باقی ماندند و طولی نکشید که با لشکری ۳۰۰۰ نفری^۱ و تحت امر عمر بن سعد و ابن زیاد بودند، مواجه شدند. در ادامه هم جنگی در گرفت و حسین و اصحابش به شهادت رسیدند. (هولستر، ۱۹۵۳: ۶۱-۶۳)

دیگر مطالبی که در کتاب هولیستر موجود است، بیشتر به جنبه‌های مراسم عزاداری در ماه محرم مربوط می‌شود و نه به اهداف و شخصیت امام حسین علیه السلام. از این رو، اکنون می‌توان به بررسی و بازخوانی آن چه وی درباره امام حسین علیه السلام نوشت، پرداخت. نخست این که امام حسین علیه السلام به دربار معاویه رفت و آمد نداشت؛ زیرا اساساً آن حضرت معاویه را به رسمیت نمی‌شناخت، چه رسد به این که بخواهد در ارتش معاویه دارای درجه و رتبه نظامی باشد. هولیستر در تشخیص علت و سبب حرکت امام حسین علیه السلام اشتباه کرده است؛ زیرا آن حضرت در پی دعوت مردم کوفه حرکت خود را آغاز نکردند، بلکه ابتدا امام حسین علیه السلام به عنوان اعتراض به فشار سیاسی برای بیعت با یزید از مدینه خارج و به مکه رفتند و سپس در دوران اقامت کوتاه در مکه بود که آن حضرت نامه‌های کوفیان را دریافت

۱. هولیستر به عدد ۳۰۰۰۰ نفر اشاره می‌کند.

کردند که آماده قبول زعامت و رهبری آن حضرت هستند. هولیستر هیچ اشاره‌ای به نامه مهم و تاریخ‌ساز امام حسین علیه السلام به برادرشان جناب محمد بن حنفیه نمی‌کند که هدف آن حضرت از آغاز حرکت اعتراضی‌شان همان امر به معروف و نهی از منکر و عمل کردن به سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و پدر بزرگوارشان امام علی علیه السلام است. نکته دیگری که در روایت هولیستر محل تأمل است این که وی می‌گوید شاید امام حسین علیه السلام دوست داشتند که پس از دریافت خبر شهادت حضرت مسلم به مدینه بازگردند، ولی برادران مسلم رأی حضرت را تغییر دادند. این تعبیر هولیستر نشان می‌دهد که گویی امام حسین علیه السلام بیشتر تحت تأثیر احساسات انتقام‌جویانه یاران خود به حرکت به سمت کربلا ادامه مسیر دادند، در حالی که مأموریت آن حضرت چیزی ورای چنین تعبیرهای ساده‌انگارانه بود.

توبی هاورث

توبی هاورث در کتاب شیعه اثنی عشری به عنوان یک اقلیت مسلمان در هند: منبر اشک (۲۰۰۵) به توصیف مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام در برخی شهرهای شیعه‌نشین هند می‌پردازد. توجه خاص او به شهر حیدرآباد است، ولی در ابتدای کتاب در نوشته‌ای دو صفحه‌ای با نام «مقدمه‌ای بر تشیع و رویدادهای پیرامون نبرد کربلا» (هاورث، ۲۰۰۵: ۲۱ - ۲۲) چنین می‌نگارد:

در سال ۶۰ هجری، پس از آن که حسن و معاویه از دنیا رفتند، یزید، فرزند معاویه خلیفه مورد ادعا بود که سلسله خانوادگی بنی امیه را تأسیس کرد، یزید از حسین درخواست بیعت کرد. حسین که در آن زمان در مدینه می‌زیست به شهر حرم الهی، مکه رفت. هنگامی که خبر امتناع حسین منتشر شد، او از سوی پیروانش مورد طلب قرار گرفت که رهبری قیامی علیه یزید باشد. حسین حرکت کرد، اما در نزدیکی کربلا توسط سپاهیان یزید مسیر حرکتش قطع شد. هنگامی که وی دوباره از رسمیت شناختن یزید سرباز زد، اصحاب آن حضرت با تحریم دسترسی آزاد به آب مواجه شد و در روز دهم محرم، دو سپاه با یکدیگر به جنگ برخاستند. طولی نکشید که اکثریت سپاه عمر بن سعد را که شامیان تشکیل

می دادند، سپاه اندک حسین را از دم تیغ گذراندند و در نهایت هم حسین به شهادت رسید. پس از نبرد، سرهای جدا شده مردان به همراه زنان و کودکان اسیر شده را ابتدا به کوفه و سپس به سوریه بردند. بنابر روایت در آن جا یزید به سر حسین بی احترامی کرد و اسیران پیش از بازگردانده شدن به سوی مدینه، در آن جا (دمشق) زندانی بودند. (همو)

هاورث هیچ توضیحی درباره هدف یا اهداف امام حسین علیه السلام از حرکت در مقابل یزید ارائه نمی کند. درباره هاورث، این که وی در سرتاسر کتاب به پیاده کردن و ترجمه متن چهار منبر می پردازد قابل تأمل است.

هیوکندی

هیوکندی در مقاله ای با نام «خلافت» - که در سال ۲۰۰۵ در کتاب *راهنمای تاریخ خاورمیانه*، به سرویراستاری یوسف شعیری آمده است - به ماجرای امام حسین علیه السلام اشاره مختصری دارد. وی سبب حرکت امام حسین علیه السلام را غیر متعارف بودن جانشینی موروثی در امر خلافت می داند (کندی، ۲۰۰۵: ۵۶) و این که وقتی یزید به جانشینی رسید، با چالش ایجاد شده از سوی امام حسین علیه السلام - که جوان ترین پسر علی علیه السلام بود روبه روشد (همو).

ایراد وارد بر نظر کندی، این است که گویی امام حسین علیه السلام تنها به جانشینی و یا سلطنتی بودن حاکمیت بنی امیه اعتراض داشتند. در حالی که بنی امیه از اساس با حاکمیت اندیشه توحیدی مخالفت می کردند. کندی به این که بنی امیه چه جنایت هایی که در طول تاریخ خود مرتکب نشده اند و به طور کلی از هرگونه شایستگی برای زعامت، ولو برای جامعه ای غیر دینی هم به دور بودند، اشاره نمی کند. لحن گفتار کندی این گونه القا می کند که ظاهراً حکومت یزید قانونی بوده و تنها شخص مشکل آفرینی که آرامش موجود را برهم زد و طغیان کرد، امام حسین علیه السلام بود. مهم تر از همه این که با تصویری که کندی مطرح می کند، گویی امام حسین علیه السلام از روی نخوت، خودخواهی و سرکشی و آن هم فقط به دلیل فرزند حضرت علی علیه السلام بودن و نه صدها



شایستگی های دیگر، اقدام به اعتراض کرد. اینها همه در موقعی است که کندی از کنار نامه یزید و اقدامات بعدی وی برای قتل امام حسین علیه السلام به آرامی و آهستگی می گذرد. بر اساس دیدگاه کندی، امام حسین علیه السلام فقط امنیت ملی و خواب راحت امت اسلامی را بر هم زده است.

رأبرت گلیو

دیگر مقاله درباره موضوع مورد بحث، نوشته رأبرت گلیو با نام «تشیع» است. وی در آغاز، «وفاداری» را نزد شیعیان به سه شکل «سیاسی»، «دینی» و «ارادت و رزانه» تقسیم می کند (گلیو، ۲۰۰۵: ۸۷). از میان رهبران معصوم شیعه، به جز پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام تقریباً هیچ کدام زمامدار سیاسی نبوده اند؛ اما بر اساس آموزه های دینی - اعتقادی، این امر تأثیری در میزان ارادت و رزی شیعیان به ائمه خود نداشته است. گلیو می گوید:

پس از درگذشت [امام] حسن، گروهی از شیعیان کوفی به حسین در مدینه نامه نوشتند و از وی خواستند رهبری آنها را در ادعایشان برای عدالت خواهی و علیه یزید (جانشین معاویه و به عنوان حاکم اموی) بر عهده بگیرد. بنا بر نقلی، حسین در آغاز مردد بود و بالأخره از حجاز به سمت کوفه به راه افتاد. یزید که از ماجرا آگاه بود، برای متوقف کردن کاروان حسین نیرو اعزام کرد. دو نیرو در کربلا - جنوب عراق - با یکدیگر برخورد کردند و گروه اندک حامیان حسین با بی رحمی در نبرد کشته شدند. بازماندگان نبرد هم با غل و زنجیر به دمشق برده شدند. کشته شدن حسین در سال ۶۸۱ [میلادی] توسط نیروهای یزید همه ساله در روز عاشورا (۱۰ محرم) برگزار می شود. عناصر اصلی داستان کشته شدن حسین، نه تنها مورد تردید نیست، بلکه تأثیر آن بر آگاهی شیعیان برای درک تشیع مدرن از ارزش بالایی برخوردار است. (گلیو، ۲۰۰۵: ۹۰ - ۹۱)

نظریات گلیو در خور تأمل است. نخست آن که تقسیم بندی وی از وفاداری شیعیان در سه سطح سیاسی، دینی و ارادت و رزانه (عاطفی) جالب توجه است؛ ولی اشتباهات او را نمی توان نادیده گرفت. اولاً شیعیان کوفه، پس از شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام به امام

حسین علیه السلام نامه ننوشتند، بلکه این مکاتبات که در تاریخ زندگانی امام حسین علیه السلام از آنها نام برده می‌شود، مربوط به دوران پس از مرگ معاویه است. دوم آن که نامه‌های مردم کوفه در مکه به دست امام حسین علیه السلام رسید؛ یعنی پس از هجرت اعتراض‌آمیز آن حضرت از مدینه به مکه. ایراد سوم این است که گلیومی‌گوید امام حسین علیه السلام در آغاز مردد بودند و تحت تأثیر نامه‌های رسیده از سوی مردم کوفه تصمیم به عزیمت به عراق گرفتند؛ در حالی که خارج شدن آن حضرت از مکه به سوی عراق به دلیل ناامنی ایجاد شده و طرح ترور آن حضرت در حین مراسم حج در مکه معظمه بود. ایراد چهارم این است که هر چند نیروهای مخالف امام حسین علیه السلام همگی به جناح بنی‌امیه تعلق داشتند، اما آنهایی که راه آن حضرت به سوی کوفه را بستند از سوی یزید اعزام نشده بودند، بلکه از سوی عبیدالله بن زیاد که فرماندار نظامی اموی کوفه بود گسیل شده بودند. نکته پنجم این است که سخن گلیو درباره نقش شناخت حرکت امام حسین علیه السلام تأثیر بیشتری در بهتر شناختن شیعه دارد، هم درست است و هم بسیار تأمل برانگیز. اما پرسشی که باقی می‌ماند این است که چرا گلیو هدف اساسی امام حسین علیه السلام از حرکتشان علیه یزید را ذکر نکرده‌اند. گلیو به جنبه‌هایی از حرکت امام حسین علیه السلام و شهادت اکثریت مردان جبهه امام حسین علیه السلام اشاره می‌کند، لیکن از اهداف آن حضرت مطلبی نگفته است.

نتیجه

بر اساس آن چه مورد نقل، تحلیل و بررسی قرار گرفت، هیچ‌کدام از مستشرقانی که آثارشان از نظر گذشت نتوانسته‌اند به اصل فرمایشات امام حسین علیه السلام استناد کنند و با توجه به اصل فرمایشات آن حضرت از ماهیت و اهداف حرکت آن حضرت در مقابله با توطئه‌های بنی‌امیه پرده برداری کنند. در عوض، از آن جا که مستشرقان، دیدگاه‌ها و مبانی خود را پایه و اساس تحلیل قرار می‌دهند، نتوانسته‌اند نقشه درستی از اندیشه‌ها و اهداف امام حسین علیه السلام ترسیم کنند. در آثاری که در صفحات فوق مورد بررسی قرار گرفت، نشان از این مطلب دارد که مستشرقان حرکت‌های امام حسین علیه السلام در مراحل گوناگون نهضت حسینی را تنها بر پایه اصل تنازع بقا و به چنگ آوردن قدرت سیاسی برای تسلط بر اوضاع

سیاسی تحلیل کرده‌اند. چنین دیدگاهی بیشتر نشان دهنده آن است که آنان هم در به دست آوردن و هم در بررسی مواد خام و داده‌های اولیه این موضوع که همان فرمایشات امام حسین علیه السلام بود مشکل داشته‌اند و دیگر این که تحلیل‌های ساده‌انگارانه آن دسته از مستشرقان، تماماً برداشت‌ها و واکنش‌های خودشان را نشان می‌دهد، تا آن که بازگوکننده حقایق علمی - تاریخی باشد. وقتی مستشرقان از درک درست واقعه عاشورا بازمانده‌اند، چه انتظاری از آنها می‌توان داشت که دیگر رویدادها و بخش‌های تاریخ اسلام را خوب فهمیده باشند و تألیفات و آثاری متقن و معتبر در این موضوع و سایر موضوعات مرتبط با تاریخ اسلام و شیعه به جهان ارائه کرده باشند؟! نتیجه‌گیری‌های این دسته از مستشرقان، از اعتبار علمی لازم برخوردار نیست؛ زیرا به اصل اهداف امام حسین علیه السلام هرگز به درستی پی نبرده‌اند.

منابع

- آل یاسین، راضی (۱۳۷۲ق)، صلح الحسن علیه السلام، بغداد، مکتبه الزهراء.
- امینی، عبدالحسین (۱۳۸۴ق)، سیرتنا و سنتنا سیره نبینا و سنته، نجف، مطبعة الآداب.
- طبسی، محمد جواد (۱۳۸۶ش)، المقتل الحسینی المأثور، تهران، دارالسمیع.
- طبرسی، ابی منصور احمد بن علی بن ابی طالب (۱۴۱۰ق)، الاحتجاج، تحقیق: سید محمد باقر موسوی خراسان، بیروت، الاعمی.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۹۰ش)، جلاء العیون: تاریخ چهارده معصوم، تهران، آدینه سبز، چاپ دوم.
- نجمی، محمد صادق (۱۳۸۶ش)، سخنان حسین بن علی از مدینه تا کربلا، قم، بوستان کتاب، ویراست سوم.
- _____ (۱۳۸۴ش)، خطبه حسین بن علی علیه السلام در منی، مشهد، آستان قدس رضوی.
- _____ (۱۳۸۳ش)، پیام عاشورا، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- Ahmad, I., ed. (1981), *Ritual and Religion among Muslims in India*, New Delhi: Manohar.
- Arnold, T. W. (1913), *The Preaching of Islam*, 2nd ed., rev. and enl., London: Constable.
- Bridgewater, W., and E. J., Sherwood, eds. (1950/ 1958), *The Columbia Encyclopedia*, 2nd ed., New York: Columbia University Press.
- Campo, J. E., ed. (2009), *Encyclopedia of Islam*, New York: Facts on File.
- Choueiri, Y. M., ed. (2005), *A Companion to the History of the Middle East*, Malden, MA: Blackwell.
- De Tassy, Garcin (1831/ 1995), *Muslim Festivals in India and Other Essays*, trans. and ed. M. Waseem, Delhi: Oxford University Press.
- Donaldson, D. M. (1933), *The Shiite Religion: A History of Islam in Persian and Iraq*, London: Luzac.
- Fruzetti, L. (1981), “ Muslim rituals: The household rites vs. the public festivals in rural India,” in Ahmad, ed. (1981), pp. 91-112.

- Gibb, H. A. R., and J. H. Kramers, eds. (1953), *Shorter Encyclopaedia of Islam*, Leiden: E. J. Brill.
- Glasse, C., ed. (2001), *The Concise Encyclopedia of Islam*, 2nd ed. rev., London: Stacey International.
- Gleave, R. (2005) "Shi'ism," in Choueiri, ed. (2005), pp. 87-105.
- Hitti, P. K. (1961), *The Near East in History: A 5,000 Year Story*, Princeton, NJ: D. Van Nostrand.
- Howarth, T. M. (2005), *The Twelver Shia as a Muslim Minority in India*, London: Routledge.
- Hulmes, E. D. A. (2008) "Al-Husayn ibn Ali ibn Abi Talib," in Netton, ed. (2008), pp.241-242.
- "Husayn," (2001), in Glasse, ed. (2001), pp. 187-188.
- Kennedy, H. (2005) "The caliphate," in Choueiri, ed. (2005), pp. 52-67.
- Lammens, H. (1926/ 1929), *Islam, Beliefs, and Institutions*, trans. Sir E. Denison Ross, London: Methuen.
- Lewis, B., and P. M. Holt, eds. (1962), *Historians of the Middle East*, London: Oxford University Press.
- Montgomery Watt, W. (1953), *Muhammad at Mecca*, Oxford: Oxford University Press.
- Netton, I. R., ed. (2008), *Encyclopedia of Islamic Civilization and Religion*, London: Routledge.
- Nicholson, R. A. (1907/ 1914), *A Literary History of the Arabs*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Salibi, K. S. (1962) "Islam and Syria in the writings of Henri Lammens," in Lewis and Holt, eds. (1962), pp. 330-342.
- Soileau, M. (2009) "Husayn ibn Ali," in Campo, ed. (2009), p. 319.

